

خانه‌داری؛ شغل یا وظیفه؟

از 30 سال پیش که ازدواج کردند، تا به امروز هر دو مشغول به کار بوده‌اند؛ یکی در خانه و دیگری در بیرون از خانه. در این 30 سال، مرد کارمند بود ...



جام جم آنلاین: از 30 سال پیش که ازدواج کردند، تا به امروز هر دو مشغول به کار بوده‌اند؛ یکی در خانه و دیگری در بیرون از خانه. در این 30 سال، مرد کارمند بود و زن در خانه مشغول خانه‌داری، همسرداری و بچه‌داری. 30 سال گذشته است و حالا مرد با مستمري، بیمه و سنوات بازنشسته شده است، اما زن بدون هیچ يك از این مزایا همچنان مشغول کار است و معلوم نیست تا چند سال دیگر این مسئولیت بی‌مزد و منت را باید ادامه دهد، شاید تا پایان عمر. ارزش افزوده اقتصادی کار خانه‌داری

در يك نگرش ساده، شغل؛ فعالیتی درآمدزا تعریف می‌شود. به عبارتی، فعالیت داشتن و درآمدزا بودن دو عنصر اساسی برای تعریف شغل به شمار می‌آید. بر پایه این تعریف، اقشاری مانند دانش‌آموزان و دانشجویان که فعالیت بدون درآمد داشته و کسانی که درآمدی بدون فعالیت دارند، مانند افرادی که سود حساب پس‌انداز خود را ماهانه دریافت می‌کنند، شاغل به شمار نمی‌روند.

این نگرش عام که در تصمیم‌گیری‌های کلان بسیاری کشورها اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته اثر گذاشته، موجب شده است که زنان خانه‌دار با وجود حساسیت و سنگینی مسئولیتی که به عهده دارند، از دایره افراد شاغل حذف و از بسیاری مزایا محروم شوند. در حالی که با يك حساب و کتاب ساده می‌توان پی برد که گرچه خانه‌داری، به خودی خود کاری درآمدزا نیست، اما انجام کارهای خانه توسط زن، موجب صرفه‌جویی در بسیاری هزینه‌هاست.

پژوهشی که توسط یکی از استادان دانشگاه تربیت معلم در سال گذشته روی 2000 زن خانه‌دار تهرانی انجام شد، نشان داد که در آن سال هر زن خانه‌دار، هفته‌ای ۱۶۰ هزار تومان و هر ماه ۴۴۰ هزار تومان ارزش افزوده اقتصادی تولید می‌کند که برای آن برنامه‌ریزی نشده است.

کار بی‌مزد خانگی در اقتصاد جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. کار خانگی با ارائه خدمات رایگان که بسیاری از جمعیت شاغل به آن وابسته هستند، پایه‌های اقتصادی جامعه را تقویت می‌کند. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی، کار خانگی بین 25 تا 40 درصد ثروت ایجاد شده در کشورهای صنعتی را در بر می‌گیرد.

به اهمیت و ارزش کار خانه‌داری وقتی می‌توان به طور ملموس‌تری پی برد که با قیمت‌های بازار سنجیده شود. سال 1987، يك شرکت بیمه عمر، ارزش کار خانگی زنان را 19/253 پوند در سال تخمین زد. شرکت نامبرده با نمونه‌گیری رایانه‌ای، شرایط يك زن 37 ساله، به نام «روزا لیند هاریس» را که مادر دو فرزند بود، بررسی کرد. کار این زن از ساعت هفت صبح روز دوشنبه با تهیه صبحانه شروع می‌شد و ساعت 21 همان روز به پایان می‌رسید، یعنی با 14 ساعت کار روزانه در طول هفته او در مقام مامور خرید، شیشه‌پاک‌کن، پرستار، راننده، نظافتچی، آشپز و پرستار بچه انجام وظیفه می‌کرد. هفته کاری او در مجموع بدون احتساب زمان کشیک به هنگام خواب بچه‌ها، 92 ساعت بود. (به نقل از روزنامه ساندي تایمز، 29 مارس 1987)

اگرچه امروزه تصور می‌شود با دسترسی به تکنولوژی‌های روز از حجم کارهای خانه کاسته شده است، اما نباید از نظر دور داشت که این روزها تعداد زنان شاغل که مجبور به انجام امور خانه‌داری هم هستند، در مقایسه با گذشته افزایش یافته است و با وجود ابزارهای جدید در نهایت مسئولیت انجام امور خانه، همچنان بر عهده زنان است.

کلیشه‌های جنسیتی و خانه‌داری

ناهید کشاورز، جامعه‌شناس که پژوهش‌های متعددی درباره مسائل زنان انجام داده است، با اشاره به نتایج یکی از پژوهش‌های دانشگاهی خود با عنوان «پنداشت از خود زنان در ایران» می‌گوید: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، بخش مهمی از پنداشت زنان از نگاه جامعه و خود آنان به نقش‌ها و وظایفشان شکل می‌گیرد. بر این اساس هر چه امور خانه‌داری به صورت غیرمشارکتی انجام شود، عزت نفس زنان نسبت به خود و کارهایی که انجام می‌دهند، کاهش می‌یابد. وقتی چنین احساسی در زنان شکل می‌گیرد، نگاه جامعه نیز درباره مسئولیت‌هایی که آنان به عهده دارند، ارزش‌گرا نخواهد بود، در حالی که کارهایی که زنان در محیط خانه انجام می‌دهند مانند آشپزی، خیاطی، دکوراسیون خانه و... وقتی در جامعه به شغل تبدیل شده و بویژه وقتی توسط

مردان انجام می‌شود، ارزشمند و درآمدزا می‌شود.

کشاورز، درباره دلایل شکل‌گیری نگرش غیرارزش‌گرا به کار زنان در خانه می‌گوید: در شکل‌گیری این نگاه، فقط زنان مقصر نیستند، در جامعه مردسالار که در همه عرصه‌ها، «؛ کلیشه‌های جنسیتی» تعریف می‌شود و تقسیم کارها بیشتر بر مبنای تقسیم‌بندی‌های جنسیتی است، این نحوه نگاه در مردان و زنان از کودکی نهادینه می‌شود. به همین دلیل در بسیاری موارد یک کار مشترک، اگر توسط مرد انجام شود، ارزشمند می‌شود و اگر توسط زن انجام شود، ارزش‌های آن نادیده گرفته می‌شود.

نتایج یک پژوهش دانشگاهی نشان می‌دهد هر زن خانه‌دار هفته‌ای

۱۶۰ هزار تومان و هر ماه ۶۴۰ هزار تومان ارزش افزوده اقتصادی تولید می‌کند که برای آن برنامه‌ریزی نشده است و می‌افزاید: متأسفانه تقسیم‌بندی جنسیتی وظایف در خانواده‌ها به صورت پررنگ‌تری دیده می‌شود. در این تقسیم‌بندی بدون توجه به علاقه، اختیار و توانمندی افراد و فقط براساس جنسیت؛ وظایف زن و مرد تعریف می‌شود. در حالی که اموری مانند آشپزی، شست‌وشوی ظرف‌ها یا اتوکردن لباس‌ها نیازمند توانمندی‌هایی نیست که فقط در زن وجود دارد و مردان از آن بی‌بهره‌اند.

این جامعه‌شناس با تأکید بر این که با افزایش مشارکت در محیط خانه، الگوهای درستی شکل می‌گیرد و در گذر زمان می‌تواند کلیشه‌های جنسیتی را در جامعه اصلاح کند، می‌گوید: تجربه ثابت کرده است، اگر امور خانه به صورت غیرمشارکتی انجام شود، روابط اعضای خانواده بیمارگونه می‌شود. این اصطکاک زمانی بیشتر می‌شود که زن و مرد هر دو شاغل باشند و وقتی هر دو به خانه بازمی‌گردند، مرد به دنبال تماشای تلویزیون، خواندن روزنامه یا استراحت باشد و زن به امور خانه‌داری و بچه‌داری مشغول شود و حتی فرصت توجه به خود را هم نداشته باشد.

افزایش حمایت‌های اجتماعی جایگزین قوانین غیرقابل اجرا

براساس تبصره یک ماده 336 قانون مدنی؛ پختن غذا، نظافت خانه، نگهداری فرزند، شست‌وشوی لباس و موارد مشابه، در زندگی مشترک جزو وظایف زن نیست. اگر هم زنی این کارها را انجام دهد، باید از شوهرش دستمزد بگیرد که به آن «؛اجرت‌المثل» می‌گویند. اجرت‌المثل حق ویژه‌ای است که شرع و قانون برای زنان در نظر گرفته است. در شرع اسلام، زن وظایف خاصی در زندگی زناشویی دارد که توسط قانون و شرع برشمرده شده است. این وظایف شامل تمکین عام و تمکین خاص است.

برای دریافت اجرت‌المثل نیز دو شرط وجود دارد:

اول این که زن وقتی کارهای خانه را انجام می‌دهد، به شوهرش بگوید کارها را برخلاف میل باطنی انجام داده است پس باید دستمزد بگیرد، اما چنانچه بگوید کارهای خانه را به‌خاطر عشق و علاقه به همسر و فرزندانش انجام داده است، به او اجرت‌المثل تعلق نخواهد گرفت.

دوم، کاری که زن در خانه همسرش انجام می‌دهد، باید با دستور شوهرش باشد. یعنی اگر مردی، زنش را وادار به پختن غذا، اتو کردن لباس‌ها، نظافت خانه، نگهداری فرزند و موارد مشابه کند، زن حق دارد از او اجرت‌المثل بگیرد.

تا سه سال پیش اجرت‌المثل زمانی مطرح می‌شد که مردی قصد داشت، همسرش را طلاق دهد، اما با تصویب قانون جدید، اجرت‌المثل تبدیل به دینی مانند مهریه شد که دیگر در هر زمانی قابل مطالبه است و حتی زن می‌تواند در زمان زندگی مشترک با همسرش آن را طلب کند.

در قانون مواردی وجود دارد که در ظاهر به نفع زنان است و با الهام از شرع و به منظور جبران نابرابری‌ها در عرصه‌های دیگر تدوین شده است، اما در عمل بسیاری از آنها قدرت اجرا شدن ندارد.

به عنوان مثال، مهریه حقی برای جبران خلأ حق طلاق است که مطابق قانون به مرد اعطا شده است، اما آنچه در عرف جامعه شکل گرفته است، با آنچه قانون می‌گوید، فاصله بسیار دارد.

ناهید کشاورز در این باره توضیح می‌دهد: «؛گرچه طبق قانون مهریه «؛ عندالمطالبه است»، اما این مثل معروف را همه شنیده‌ایم که «؛مهریه را کی داده و کی گرفته!» به همین دلیل است که موضوع مهریه در شرایط عادی زندگی، معمولاً مطرح نمی‌شود و وقتی روابط زناشویی با تنگنا مواجه می‌شود، موضوع مهریه هم جدی می‌شود. در مورد اجرت‌المثل هم دقیقاً همین طور است، یعنی زمانی یک زن می‌تواند درباره این حق خود ادعایی مطرح کند که نسبت به تداوم زندگی زناشویی امیدوار نباشد و گرنه اگر

شرایط زندگی برای يك زن قابل تحمل باشد و چنین موضوع‌هایی مطرح یا اجرایی شود باید آن زندگی را تمام شده، فرض کرد».

کار خانگی جلوه‌ای از مناسبات تولید است که در آن، زنان از ارزش کار خود بی‌بهره می‌مانند و به واسطه نقشی که به عنوان مادر و مراقبت‌کننده دارند، به فعالیت‌های خانگی جذب می‌شوند و همچنان که سیمون دوبوار، داستان‌نویس و منتقد اجتماعی فرانسوی در کتاب «جنس دوم» خود گفته است: زنان از فعالیت‌های عمومی‌تر که مردان می‌توانند آزادانه به آن بپردازند، کنار گذاشته می‌شوند. خانه‌داری که کار بدون اجر و پاداش زن تلقی می‌شود، تنها با شکل‌گیری حمایت‌های اجتماعی و اجرای درست طرح‌هایی مانند بیمه زنان خانه‌دار، به رسمیت شناختن شغل خانه‌داری، همچنین فرهنگ‌سازی و افزایش مشارکت در فضای خانه می‌تواند جایگاه واقعی خود را پیدا کند و از به حاشیه راندن زنان از عرصه‌های اجتماعی جلوگیری کند.

فریده عباسی / جام‌جم